

# مساجد اسپانیا و شمال آفریقا

آنتونیو فرناندز پورتاس  
ترجمه مصطفی کیانی

مستقل «نصریان» در غرناطه (گرانادا) تا سال ۱۴۹۲ میلادی، «مربینان» [بنومرین] در شمال مراکش و «عبدالوادیان» در الجزایر تبدیل گشت.

در سیر تحول، گسترش و شکوفایی هنر اسلامی در این سرزمین دو دوره بیشترین نقش را دارند، یکی دوره حکومت امویان و دیگری دوره حکومت‌های «المرابطون» و «الموحدون». اما در دوره اخیر است که «مدرسه» یعنی مکان علمی دین با شیوه خاص خود به وجود آمد، نوعی معماری که اساساً از اسلام شرقی به این سرزمین آمد.

## دوره امارت امویان

زمانی که دوره «خلافت امویان» در دمشق در سال ۷۵۰ میلادی با روی کار آمدن عباسیان به سر آمد، یکی از امیرزادگان اموی به نام «عبدالرحمن» با فرار خود، از قتل عام جان سالم به در برد. وی از جنوب اسپانیا وارد

معماری اسلامی از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی در شبه جزیره ایبریا [اسپانیا و پرتغال] و نیز مراکش، الجزایر و تونس فعلی [شمال آفریقا] دوره‌های گوناگون هنری و سیاسی را دربر می‌گیرد:

نخست؛ دوره خلافت امویان (۷۵۶ تا ۱۰۳۱ میلادی) در آندلس یعنی بخش اسلامی اسپانیا بود که خلافت اسلامی تا شمال شبه جزیره گسترش پیدا کرد.

دوم؛ دوره انحطاط و تجزیه به حکومت‌های کوچک‌تر و طایفه‌ای (۸۶-۱۰۳۱ میلادی) است.

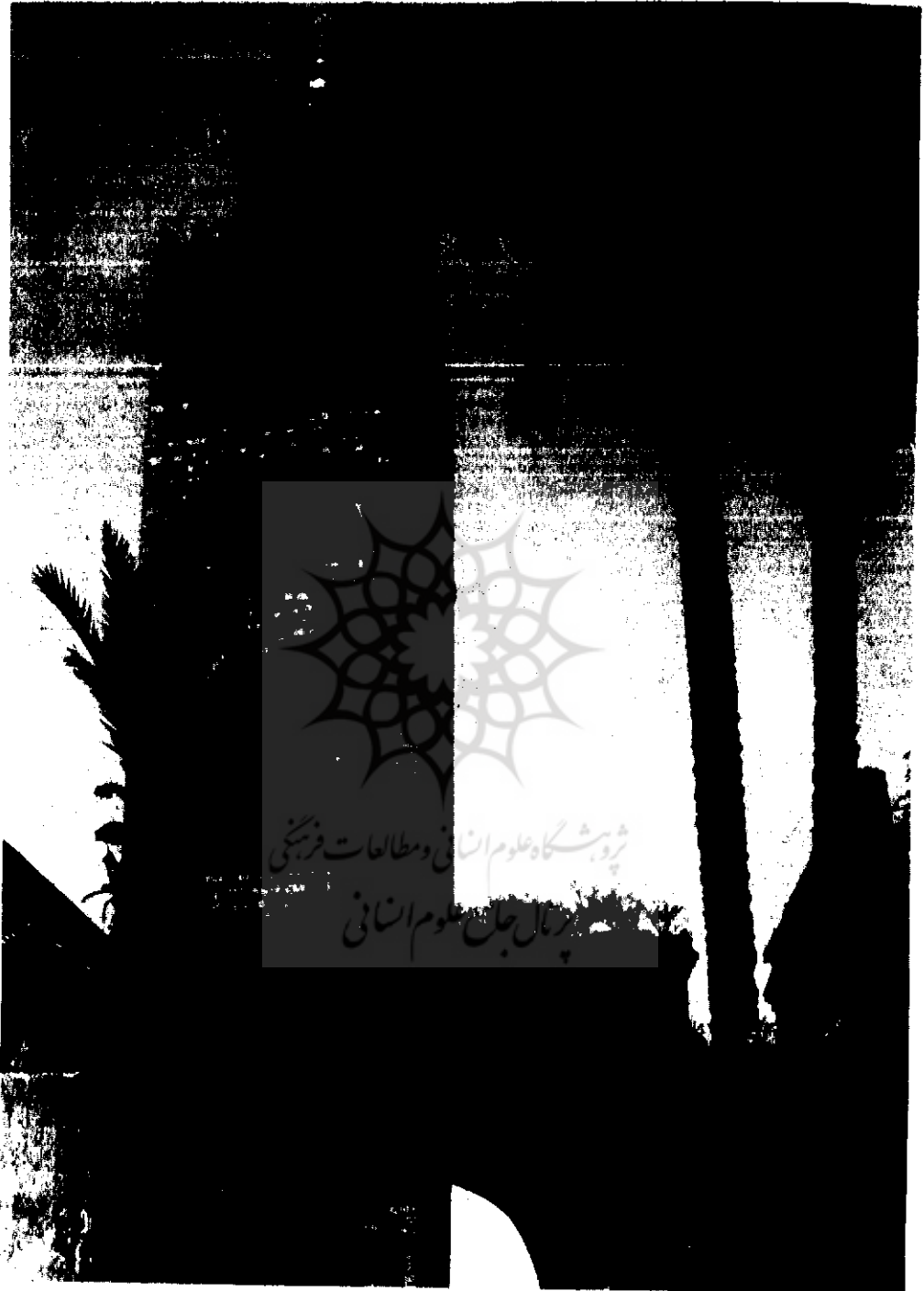
سوم؛ دوره حکمرانی «المرابطون» (Almoravid)

۱۱۴۷-۱۰۸۶ میلادی) و «الموحدون»

(Almohad - ۱۲۶۴-۱۱۴۷ میلادی) که

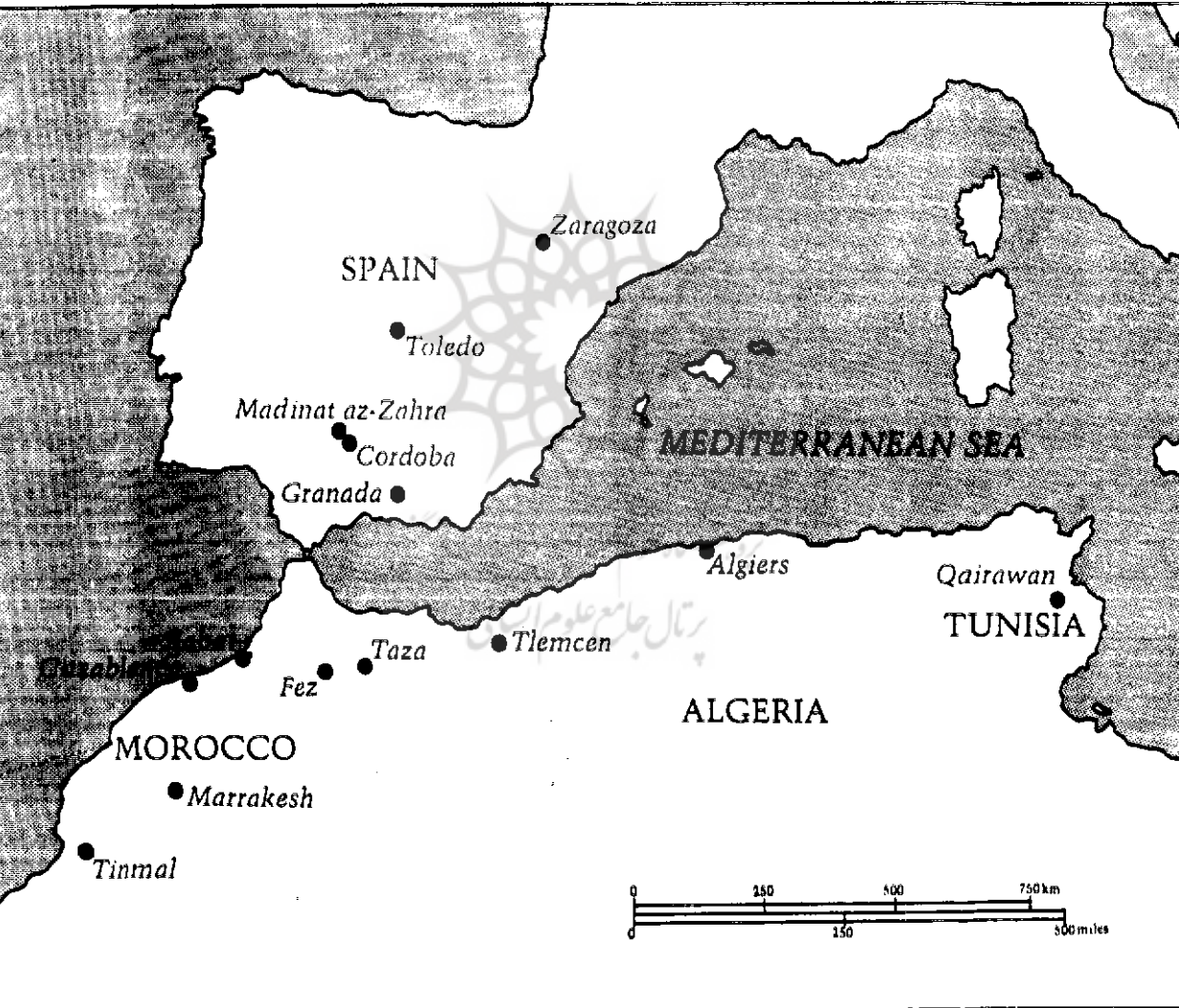
آندلس تحت حکمفرمای شمال آفریقا درآمد

و چهارم؛ در اواخر این دوران است که خلافت اسلامی به سه حکومت سلطان‌نشین و



مناره مسجد کتبیته (قرن ۱۲ م.) در مراکش با ارتفاع بیش از ۶۰ متر.

نقشه کلی اسپانیا (اندلس) و شمال آفریقا.



شبه‌جزیره ایبریا شد و با تأسیس حکومتی اموی در قرطبه (کوردوبا - Cordoba) و با عنوان عبدالرحمن اول ملقب به «الذخیل» [پناهنده - مهاجر] به تخت امارت نشست. به این‌گونه او توانست در طی سلطنت طولانی خود (۸۸-۷۵۶ میلادی) در غرب، علاوه بر استمرار سلسله اموی، هنر این دوره را تقویت و قوام ببخشد. او در قرطبه مسجدی بزرگ و پیشرفته ساخت [مسجد جامع قرطبه] که یکی از آثار شکوهمند معماری اسلامی در جهان است. معماری اسلامی نظم هندسی سستی و تناسب‌ها را که از میراث باستان گرفته بود به گونه‌ای شایسته نمایان و به‌عنوان هنر اسلامی در غرب معرفی نمود.

امروز مکانی واقع در شرق که زمانی کاخ «ویزیگوت»های مسیحی [حکومت قبل از اسلام در اسپانیا] بود و سپس بر روی آن مسجد ساخته شده و هم‌اکنون اقامتگاه کلیسای اسقفی می‌باشد، سه شکل و ترکیب کاملاً متمایز را نمایان ساخته است:

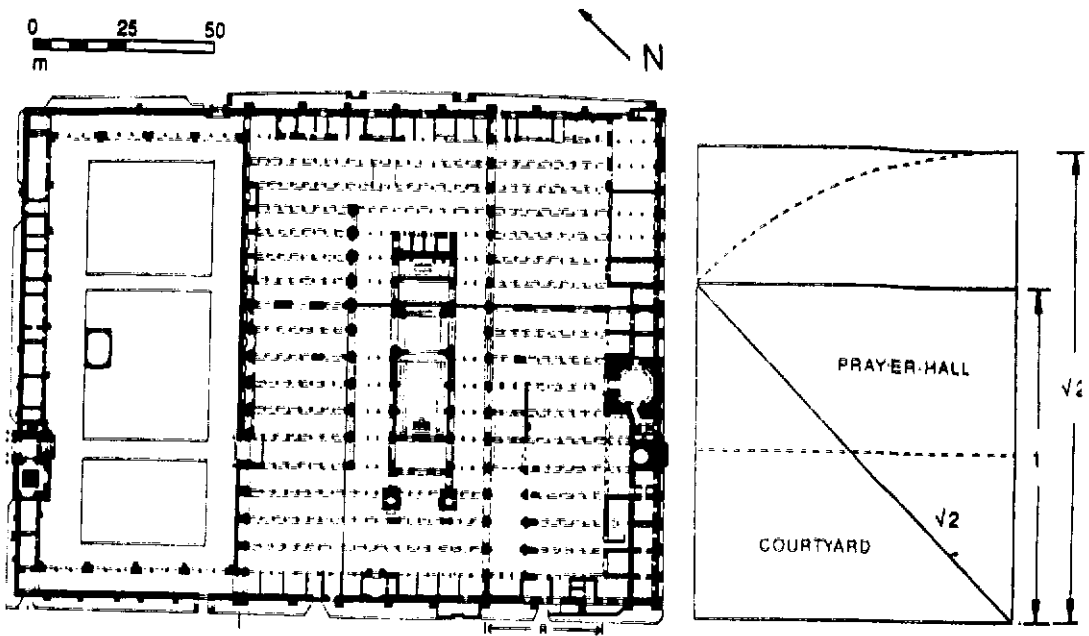
- ۱- نقشه طبقه هم‌کف و نماها دارای ابعاد متناسب هستند که پیرو یک نظام سستی است<sup>۱</sup>
- ۲- ستون‌ها و سرستون‌های رومی که نشان می‌دهد مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند و در مجموع موزه‌ای از عناصر معماری کلاسیک را از قرن اول تا هفتم میلادی تشکیل داده‌اند.
- ۳- به‌منظور ایجاد نمازخانه‌ای باشکوه و با ارتفاعی مناسب که بتواند فضای ایمانی برای جمعیت کثیری از نمازگزاران مسلمان را به‌وجود آورد، نظامی از طاق‌های قوسی دوردپی ساخته شده است. ردیف پایینی این قوس‌ها، استحکام و ایستایی ستون‌ها را فراهم می‌سازد، در حالی که ردیف بالایی، بار سقف و مجاری آبرو را تحمل می‌کند.

احتمالاً این فکر از طاق‌های مسجد جامع دمشق گرفته شده است.<sup>۴</sup> به‌نظر می‌رسد که از لحاظ ساختاری، در

ساخت طاق‌های مسجد قرطبه، از نظام طاق‌های دو قوسی در کانال‌های آبروی شبه‌جزیره ایبریا استفاده شده است.

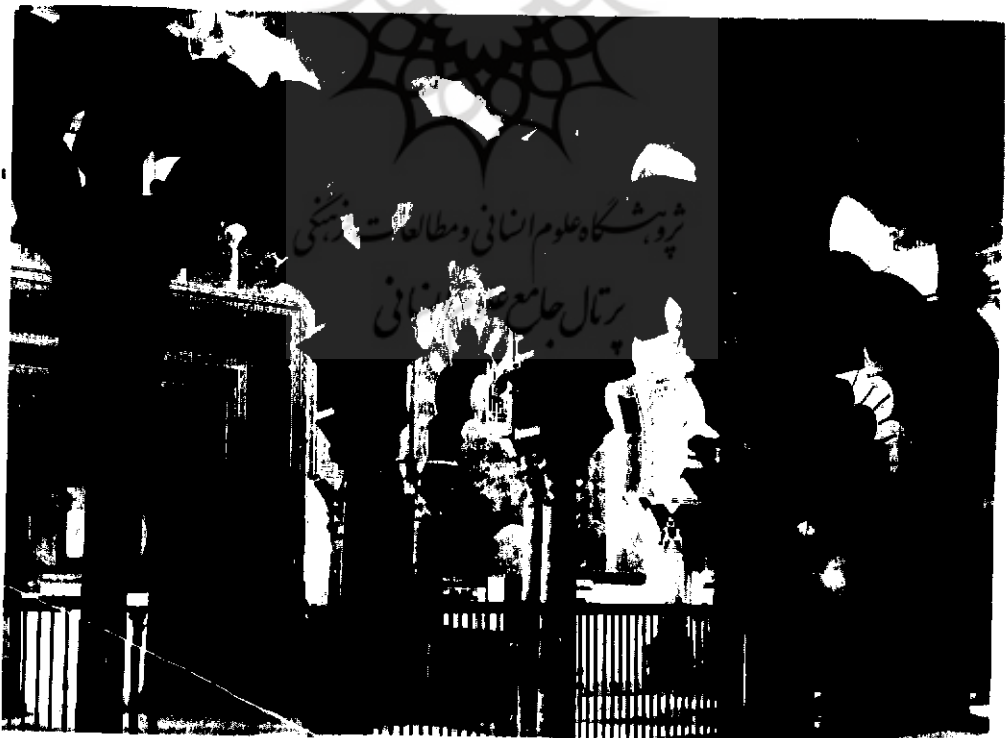
نقشه هم‌کف مسجد در سال ۷۸۵ میلادی به شکل یک مربع تقریباً کامل طرح‌ریزی شده است به طوری که دیوار محیطی آن دارای ضخامتی برابر ۱۱۴ سانتی‌متر (۴۵ اینچ) است. طراح و معمار روشن‌بین مسجد اولیه، این مربع را به دو سطح منسای تقسیم کرده است، نیمه شمالی به‌عنوان حیاط باز و نیمه جنوبی برای نمازخانه که دارای پازده دهانه است به‌ترینی که دهانه وسطی پهن‌تر از دهانه‌های طرفین است، دو دهانه اولی و آخری به جهت وجود دیوارهای پهن، باریک‌تر از بقیه هستند. این تناسب سازه‌ای تدبیری است که تمام ابعاد و جنبه‌های دیگر مسجد را تابع خود می‌کند. نظام تناسب، تجربی، ساده و در عمل هیچ‌گونه پیچیدگی ندارد. اساس آن بر مبنای مربع و اقطارش قرار دارد. در مربعی که اضلاع آن برابر با واحد هستند قطر آن برابر با  $\sqrt{2}$  است. چنانچه به مرکز یکی از گوشه‌های مربع و به قطر  $\sqrt{2}$  (قطر مربع) کمانی رسم کنیم، برخورد این کمان با ادامه ضلع مربع نقطه‌ای است که شکل مستطیلی تازه‌ای را به ما می‌دهد، قطر این مستطیل (با اضلاع  $\sqrt{2}$  و ۱) برابر  $\sqrt{3}$  است. با تکرار چنین عملی در حالی که همان مربع اصلی را با ضلع «یک» در اختیار داریم، بی‌دری مستطیل‌های دیگر به‌دست می‌آیند. این نظام تناسباتی ساده بر تمام معماری اسلامی حاکم است. نقشه مسجد قرطبه نخست از یک مربع یا ضلع واحد، به مستطیلی با ضلع بزرگ‌تر ( $\sqrt{2}$ ) و سپس به مستطیل  $\sqrt{3}$  گسترش پیدا کرده است. تمامی این موارد می‌تواند به‌صورت تاریخی و باستان‌شناسی قابل پژوهش باشد.

نقشه مسجد قرطبه هم‌چون نقشه «مسجد الاقصی» که در دوره امویان بنا شده است شباهتی به پلان‌های «بازیلیکا»یی دارد. در تمامی آن‌ها محور دهانه‌ها در جهت دیوار قبله توسعه پیدا کرده‌اند. محراب به‌شکل



▲ شکل نهایی نقشه مسجد جامع قرطبه، نحره توسعه مسجد اولیه را با توجه به دیاگرام نشان می‌دهد. از اندازه A در مسجد اولیه، اندازه B در توسعه قرن ۹ به دست آمده است.

▼ طاق‌ها، فوس‌های دورپس و تزئینات مسجد جامع قرطبه که در زمان «الحکم دوم» (۶-۹۶۱ م.) ساخته شده است.



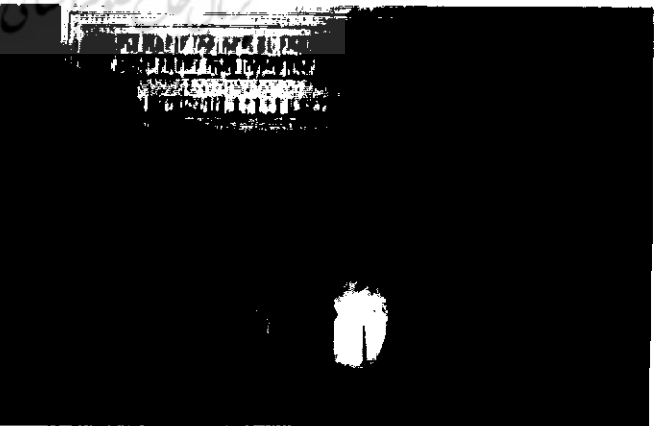
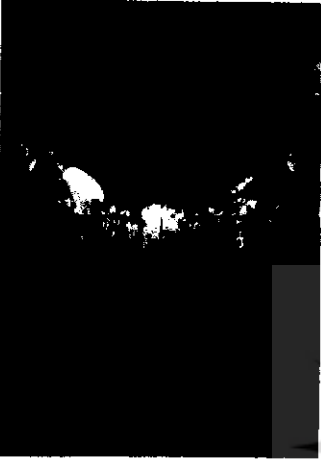
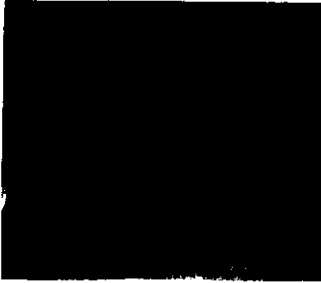
یک تورفتگی در دیوار قبله و به صورت یک صدف باز شده جای گرفته است. [در این جا نویسنده شکل محراب را ناشی از میراثی می‌داند که از هنر دوره قبل از مسیحیت (Pagan) و هنر دوره رومی است و آن را نمادی از تولد «ونوس» در یونان باستان و در گذر از هنر اولیه مسیحیت به هنر دوره اسلامی می‌داند، در صورتی که می‌دانیم پیش از آنکه اسلام، بعد از تقریباً یک قرن، به سرزمین اسپانیای فعلی قدم بگذارد، شکل محراب در شرق، دوران شکل‌گیری و تحوّل خود را شروع کرده بود و اساساً محراب، در وهله اول، نمادی بوده است که بعد از رحلت حضرت رسول اکرم (ص)، جای خالی ایشان را در جلوی صدف نمازگزاران پُر می‌کرده است. مترجم]. چهار پشت‌بند دیوار خارجی در سمت غرب و شرق، نمازخانه را به سه بخش مساوی تقسیم می‌کند. بخش میانی در طرف غرب با یک در بزرگ سه‌لنگه‌ای، ورودی طرف کاخ و مخصوص امیر و همراهان بوده که به «باب‌الوزراء» مشهور است. بزرگ‌ترین و پیاپی‌ترین لنگه این ورودی شعاع چرخشی برابر با  $\frac{1}{4}$  واحد و ارتفاعی دو برابر واحد همان مربع مبنا است، ترکیب در و تزیینات آن تماماً بر اساس یک سری از مربع‌ها و مستطیل‌های  $\sqrt{2}$  می‌باشد.

از نظر فضای داخلی، نمازخانه توسط ردیف‌های موازی طاق‌های دو قوسی تقسیماتی به خود گرفته است. نبوغ معمار را می‌توان در ساختن قوس‌ها و نحوه بارگذاری‌شان دید که با ظرافت و دقت بر روی ستون‌ها و سرستون‌های بناهای پیش از دوره اسلامی قرار گرفته و هر ستون نیز بر روی پی‌ای جداگانه قرار دارد، ستون‌های متنوع رنگی، هم‌چون جنگلی از سرمر درخشان را تداعی می‌کند. اما چون که سرستون‌های دوره کلاسیک در شکل و اندازه‌های گوناگونی بوده‌اند، سطح پایینی طاق‌بندی‌ها را به اجبار به صورت الحاق با سنگ‌های صلیبی شکل تطبیق یافته‌اند و سپس از آن‌جا چرخهای طاق‌بندهای فوقانی [در ادامه ستون زیرین]

سر بیرون زده‌اند. قوس‌های مسجد قرطبه به طور متناوب با سنگ سفید و آجر سرخ ساخته شده و در مجموع ترکیبی را داده‌اند که از جنبه تزیینی صفت مشخصه و پگانه این مسجد است. زه‌کشی‌های بام از بالای هر یک از قوس‌ها می‌گذرد، سقف هر دهانه در نمازخانه نقش و رنگ مخصوص به خود را دارد. در واقع تأثیر کلی این بنا نوعی بیان تعالی و خروج در معماری است، شیوه‌ای که معمار مسجد قرطبه آن را به وجود آورده است.

مسجد عبدالرحمن اول توسط فرزندش «هشام اول» در سال ۹۶-۷۸۸ میلادی تکمیل شده است. وی هم‌چنین مناره‌ای چهارگوش در ورودی شمالی حیاط بنا کرد. جمعیت شهر قرطبه در طول قرن نهم میلادی به سرعت رو به افزایش یافت و این در حالی بود که پیوندهای قوی فرهنگی با شرق یعنی با خلافت عباسیان در بغداد ادامه داشت. «عبدالرحمن دوم» (۵۲-۸۲۲ میلادی) اولین توسعه این مسجد را انجام داد. جایگاه زنان که تنها مجاز به استفاده از فضای دهانه‌های اول و یازدهم نمازخانه بودند، اکنون به راهروهای دو طرف حیاط انتقال داده شده بود و بنابراین فضای نمازخانه برای مردان افزایش یافته بود. با این حال مسجد هم‌چنان کوچک بود تا این‌که دهانه‌ها را از طرف جنوب توسعه دادند. نقشه کلی مسجد که یک مربع بود به یک مستطیل  $\sqrt{2}$  تبدیل گشت. وسعت صحن تغییر نکرد اما نمازخانه بزرگ‌تر شد به طوری که پنج بخش مشخص پیدا کرد.

این روند منجر به تغییر مکان قبله گردید، با اضافه کردن هشت دهانه دیگر و شبیه به قبله‌ها، دیوار جدید با ستون‌ها و چرخهای تازه، محل قرارگیری قبله جدید شد. وضعیت تازه موضوع دسترسی و رفت و آمد را پیش کشید؛ برای این کار در بخش سوم دیوار سمت شرقی در جدیدی تعبیه شد. در بخش جدید (قرن نهم) طاق‌ها اساساً تکرار نظام طاق‌بندی‌های اولیه بود، اما



مسجد جامع قرطبه (۶-۷۸۴ و ۹۶۱ و ۹۰-۹۸۷ م. ساخت و مرمت) با سازه طاق‌های گنبدی قابل توجه یکی از شناخته‌ترین آثار معماری اسلامی است. توسعه کامل مجموعه مسجد همراه با برج ناقوس کلیساکه بعداً به آن اضافه شده به‌روشنی دیده می‌شود. هم‌چنین جنبه‌های قابل توجه داخلی مسجد شامل: سیستم سازه‌ای گنبد، طاق‌های تحمل‌اسس دو تایی نمازخانه و فضای چند ضلعی و دارای عمق محراب و نیز تزئینات منحصر به فرد آن همگی در مجموعه این نساویر دیده می‌شوند.



پایه ستون‌ها چنین نبودند، هفده سرستون جدید بایستی برای بخش جدید تراشیده می‌شد. فرارگیری ستون‌های جدید از روی انطباق تقارن دهانه‌ها با وضعیت توسعه پلان مسجد تعیین می‌گشت. چهار ستون کوچک با سرستون‌های جدید و بسیار زیبای کنده‌کاری‌شده به صورت جفت در طرفین محراب جدید ساخته شد.

زمانی که حاکم، قصر را به جهت حضور در مسجد ترک می‌کرد همیشه زمان خطرناکی برای وی بود چراکه امکان سوه‌فصد زیاد بوده است. به همین منظور «امیر عبدالله» راه سرپوشیده باریکی به نام «ساباط» ساخت. ساباط، کاخ را با دیوار خریس مسجد مرتبط می‌ساخت. شبیه همین ساباط در مسجدالاقصی نیز وجود داشت، لزوم پیش‌بینی‌های امنیتی، وجود این مسیر مخصوص و جدایی بیش‌تر حاکم از مردم را در پی داشت. مناره‌های قرن نهم در شبه‌جزیره ایبری دارای پلان مربع‌شکل و فضای پله‌خانه داخلی آن استوانه‌ای حلزونی‌شکل است و از آجرهای تراش‌خورده ساخته شده‌اند. ابعاد متقارن آن‌ها بر اساس همان نظام سنتی تناسب است. پنجره‌های آن در سه اندازه می‌باشد، در بعضی مناره‌ها، قسمت بالای آن‌ها دارای طاق‌های کوچک است. مناره‌های «سن‌خوان» و «سانتیاگو» در قرطبه، مناره «السالوادور» در اشبیلیه (سویل - Seville) و نیز مناره‌ای در «نیبلا» (Niebla) واقع در استان «هولوا» (Huelva) نمونه‌هایی از این‌گونه هستند.

مناره «ابن طولون» در قاهره، ساخته‌شده در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میلادی، در شکل و سبک کلی پیرو نمونه‌های آندلسی است. موارد این تشابه عبارتند از:

۱ - مصالح آن همان آجر تراش‌خورده و در قالب‌های سنتی است

۲ - ارتفاع آن دو برابر پهنای آن است

۳ - در آن از قوس‌های نعل‌اسبی استفاده شده است

۴ - دارای قوس‌های دوتایی است که توسط یک ستون

در وسط آن به دو قسمت تقسیم شده است

۵ - محل آن در صحن و جدا از ساختمان مسجد است. در هر صورت این مناره پله‌خانه‌ای را به دور یک محور استوانه‌ای و به شیوهٔ هبسیان نمایان می‌سازد. اما خود مسجد ابن طولون در سال ۸۷۹ میلادی ساخته شده و مشخصات سبک هبسیان را دارد، مناره آن که پیش از ساخت مناره قرطبه (توسط عبدالرحمن سوم در سال ۹۵۱ میلادی) بنا شده است، خود نشانی از تأثیر و حرکت این هنر معماری اسلامی از غرب به شرق است.

### دورهٔ خلافت امویان

تشکیل حکومت فاطمیان (شعبان شمال آفریقا) در مصر، عبدالرحمن سوم (۶۱-۹۱۲ میلادی) را برآن داشت که خودش را در سال ۹۲۵ میلادی به‌عنوان اولین خلیفه [اموی] در آندلس معرفی کند. این ترفیع مقام از «امارت» به «خلافت» دلایل سیاسی - مذهبی داشت و بازتاب آن به‌خوبی در توسعهٔ مسجد قرطبه [به‌عنوان یک پایگاه قوی دینی حکومتی] آشکار است. گسترش مسجد تقویت هرچه‌بیش‌تر عظمت حکومت و تأکیدی بر اعتبار مذهبی خلیفه بود. «عبدالرحمن سوم» مجموعه‌ای سلطنتی و باشکوه را در «مدینه‌الزهرا» در حدود هشت کیلومتری قرطبه بنا کرد. مجموعه کاخی برای خود، درباریان و خدمتکارانش که به‌اندازهٔ کافی از هیاهوی شهر فاصله داشت. کاخ مدینه‌الزهرا، قصری وسیع بود که خصوصیات و وابستگی‌های خاص خود را داشت. وی مسجد این شهر را در سال ۹۴۲ میلادی با جهت دقیق قبله ساخت. حفاری‌ها نشان می‌دهد که خلیفه از طریق ساباط بین قصر و مسجد رفت و آمد می‌کرده است و این شبیه مسجد قرطبه است. این نکته مهم که ورودی به طرف مسجد از طرف دیوار قبله و در مجاور محراب بوده است و نه از طرف ورودی‌های مخصوص نمازگزاران، صرفاً از نظر امنیتی بوده است. مقصود، محلی مخصوص برای خلیفه، نزدیکان و

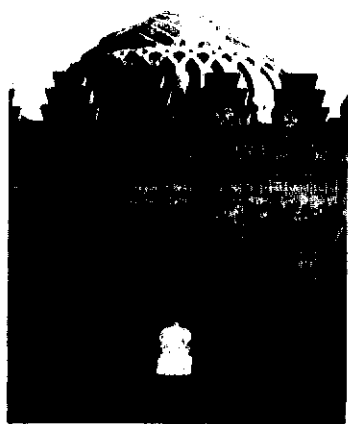


▶ گنبد بالای محراب مسجد جامع «شاه» در مراکش و شبکه قوس‌های درهم‌بافته آن.



◀ مسجد جامع تلمسن در الجزایر، ساخته‌شده در ۱۱۳۶ م. گنبد آن با تزئینات گچ‌بری مشبک و با طرح‌های اسلیمی گباهی که به وسیله گنبد بیرونی (بالایی) پنجره‌دار آن محافظت می‌شود.

▼ قبه البها، الدین در مراکش، نمای گنبد بیرونی شامل ترکیبی از قوس‌های درهم‌بافته‌شده در قسمت پایین گنبد و نمونه قوس‌های زیگزاگی شکل ساده در بالای گنبد است. در حالی که آرایش سطح داخلی و زیر گنبد از تزئینات کنده‌کاری خطی و شیاردار ظریف و جسارت‌آمیز است.





کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی  
مركز جامع علوم انسانی

درباریان و شامل سه حوزه فضایی بوده است، یک قسمت جلوی محراب و دو قسمت دیگر در طرفین. کفی آن از موزاییک‌های سفالی پوشیده بود و محدوده این بخش توسط شبکه‌های چوبی و به جهت حفاظت از خلیفه در حین نماز و مراسم مذهبی محصور گشته بود، همان‌طور که در مسجد قرطبه چنین بوده است. مناره مسجد مدینه‌الزهرا به علت ترکیب پلان مربع‌شکل آن با فضای هشت‌گوش پله‌خانه داخل آن جالب‌توجه است. این شکل احتمالاً برداشتی از برج‌های هشت‌ضلعی مُدَجَن (Mudejar) بوده است. [مدجن یا مدجنون یا مودبار، نوعی از سبک معماری آندلسی است که توسط مسلمانان مراکش تحت تسلط حکومت مسیحی در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی شکل گرفته بود ولی عناصر معماری اسلامی آن هنوز تغییری پیدا نکرده بود. این اسم در واقع اصطلاحی بود که به مسلمانان اسپانیا، پس از فتح آن به دست مسیحیان، گفته می‌شد - مترجم].

به دنبال افزایش جمعیت شهر قرطبه، یک‌بار دیگر مسجد جامع قرطبه توسعه یافت. این بار گسترش دهندگان مسجد، عبدالرحمن سوم و فرزندش «الحکم دوم» بودند (۷۶-۹۶۱ میلادی). نقشه مسجد بر اساس همان روشی که در قبل توصیف شد به شکل مستطیل با ضلع  $\sqrt{3}$  [بر اساس همان مربع اولیه با ضلع واحد] تبدیل گشت. ایوان‌های حیاط جدید شامل دهانه‌هایی بودند که در هر یک سه قوس با ستون‌های باریک‌تر قرار داشت. در سال ۹۵۱ میلادی، عبدالرحمن سوم مناره جدید و بزرگی در یکی از این دهانه‌ها ساخت که در بخش شمالی حیاط جدید الاحداث قرار داشت. بنای یادمان‌گونه این مناره به همراه صحن جدید، شکل و ظاهر محلی را نسبت به کل منطقه تغییر داد. در این مناره بزرگ و حجیم و با پلان مربع‌شکل، پهنای دیوار بیرونی به ارتفاع نسبت ۱ به ۵ دارد. در فضای داخلی مناره، پله‌خانه‌هایی چهارگوش و جداگانه برای

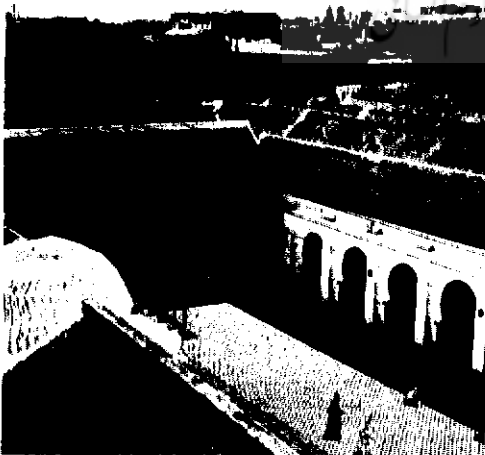
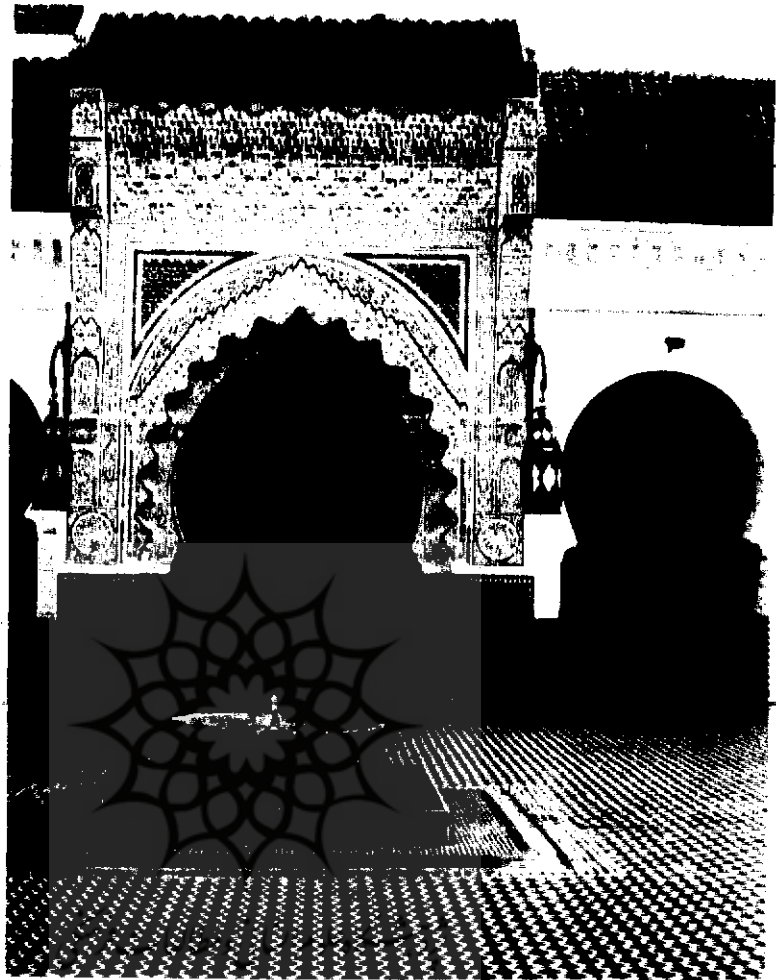
«مؤذن»ها وجود داشت. یکی از مؤذن‌ها در حالی که از طرف حیاط به بالای مناره می‌رفته و در جهت جنوب شرقی با صدای اذان مؤمنان را به نماز فرا می‌خواند، دیگر مؤذن از طرف خیابان به بالای مناره صعود می‌کرده و در جهت شمال غربی دیگر مردم را دعوت به مسجد می‌کرده است. سمت شمالی و جنوبی مناره، هر کدام پنجره‌های دوتایی به ارتفاع دو طبقه دارند که نور پله‌خانه‌ها را تأمین می‌کند، اما در سمت شرق و غرب، قاب‌هایی با قوس‌های سه‌تایی بدون پنجره وجود دارند که دارای تزیینات گچ‌بری است. این مناره الگویی برای ساختمان‌سازی دوره «الموحدون» گشت.

در سال ۹۵۸ میلادی، عبدالرحمن سوم، نمای در حال تخریب نمازخانه را مرمت و تقویت کرد. هم‌چنین فکر توسعه بعدی نمازخانه را به طرف جنوب، بایستی به این خلیفه نسبت داد. به‌رحال بررسی تناسبان نشان می‌دهد که این طرح جدید به دنبال تکمیل و ساخت صحن و مناره بزرگ تازه‌احداث بوده و این نتیجه را آشکار می‌سازد که نمازخانه نیاز به یک بیان شکوهمندانه داشته است.

به همین منظور دومین توسعه ساختمان نمازخانه تحت نظر الحکم دوم انجام گرفت و معمار آن توانست بر اساس همان نظام ساده اولیه و مربع مبنا، افزایش سطح را انجام دهد. حال فضایی به‌وجود آمده است که خیلی عمیق به نظر می‌رسد. به‌علاوه آوردن مسجد به نزدیکی رودخانه «وادی‌الکبیر» (Guadalquivir)، خود نوعی خطر بود. بنابراین معمار آن در توسعه نظام تناسبانی، در واقع آن را کاهش داد و معکوس کرد.

توسعه بعدی نمازخانه بر مبنای مستطیل  $\sqrt{3}$  صورت گرفت اما اساس آن طولی دیوار قبله‌ای بود که در قرن نهم میلادی بر مبنای واحد بنا گشته بود. بنابراین او بر اساس همین ارزش هنری  $\sqrt{3}$ ، با کاهش بنای واحد، مقیاس کوچک‌تری را به دست آورد.

الحکم دوم عنوان خلافت را در سال ۹۶۱ میلادی



مسجد غروبین در فاس مراکش (شروع ساخت ۸۵۹ م.) در طول دوره الموحدون، ساختمان اصلی و اولیه که در سال‌های ۹۵۶ و ۱۱۳۵ م. و در سال‌های بعد تا قرن ۱۷ میلادی توسعه و گسترش یافت، کم‌کم در محدوده توسعه شهری جدید و معاصر فرار گشت. این مسجد با بام‌های سبزرنگش مشهور است. در کنار نمازخانه بزرگ آن، حیاط مستطیلی دراز و سرپوشیده‌ای بنا در بنای چادر خیمه‌ای (کلاه‌فرنگی) و یک جوی آب است که در قرن ۱۶ به آن اضافه گشت.

۱۵ اکتبر) برای خود برگزید و روز بعد دستوراتی را برای شروع توسعه مسجد داد. دادن شیب به سمت جنوب و زیرسازی محکم و اساسی، نخست برای ساختن طاق‌ها و دیوار محیط بنا و به منظور ایجاد سطح مناسب انجام گرفت. حالا مسجد جدید دارای دو دیوار قبله شده بود، با دیوارهایی کاملاً موازی که استحکام طاق‌بندی‌ها را تضمین می‌نمود. پی‌سازی حجیم دو دیوار قبله، امکان تکمیل توسعه را به سمت شرق و غرب فراهم ساخت. فضای هشت‌گوش محراب جدید در پشت دیوار قبله بیرونی قرار گرفت. مابین دو دیوار قبله فضایی ایجاد گشت که به دو طبقه با فضاهایی مجزا تبدیل گشت، قسمت شرقی آن به خزانه‌داری اختصاص یافت و قسمت غربی آن به ساباط مرتبط گردید. به این طریق خلیفه و درباریان می‌توانستند در هر زمان و به‌طور خصوصی به مقصوده جلوی محراب دسترسی داشته باشند. منبر، قرآن‌ها، چراغ‌ها، شمعدان‌ها، حصیرها، فرش‌ها و دیگر وسایل مراسم در ایام مذهبی و ماه مبارک رمضان، همگی در این اتاق‌های بین دو دیوار جای می‌گرفتند.

فوس‌های دوردیفی مورد استفاده در مسجد اولیه، با تغییراتی جزئی حفظ گردید، گرچه توسعه «الحکم» بیش‌تر شامل تزئینات فراوان و عناصر نمادین می‌شد. ستون‌های حجاری‌شده جدید به‌طور متناوب از مرمرهای صورتی و آبی تیره هستند، آفرینش اثری زیبا و شناور در فضا و ایجاد ترکیبی از سنگینی و بی‌وزنی. فوس‌های نیم‌دایره‌ای بالایی از جنس سنگ هستند که تنها در جلوی آن‌ها و به‌طور متناوب از سنگ و آجر قرمز استفاده شده است، در داخل فوس‌های بالایی به‌وسیله گچ‌بری و نقوش اسلیمی گیاهی تزیین یافته‌اند. قسمت مرکزی، ستون‌های چهارگوشی دارد که با سرستون‌های «کرتین» و به‌شکل برگ‌های کنگر و دیگر نقوش و حجاری‌ها تزیین یافته‌اند.

اما، این توسعه مسجد به‌گونه‌ای بسیار موفقیت‌آمیز،

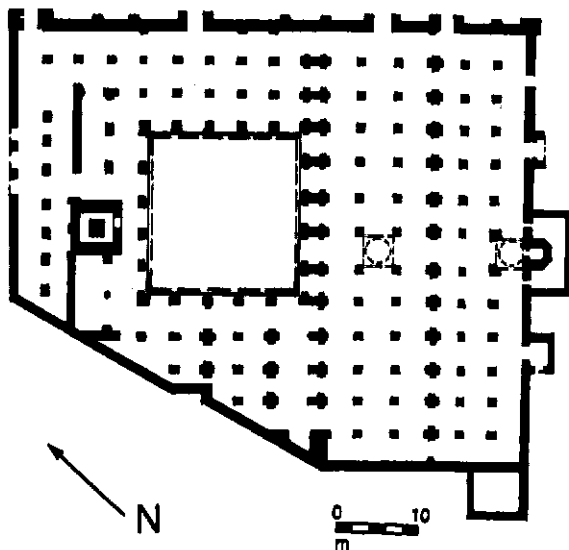
چندین مشخصه مهم معماری جدید را ارائه می‌دهد:

۱ - ساختن طاق‌های گنبدی از فوس‌های تودرتو و متقاطع که قسمت میانی آن فضایی است آزاد برای ایجاد نقوشی زیبا و حریرانگیز و خود بازتابی از نورانیت و شکوه است. این فن گنبدسازی مورد اقتباس سبک‌های معماری رومانسک، مدجن (مودبار)، گوتیک، رنسانس و باروک گردید.

۲ - نقشه کلی نشانگر شروع یک ماهیت و تصویر تازه در معماری مساجد است. پلان بازلیکایی اولیه با محورهای موازی و شمالی جنوبی، شروع شکل‌گیری یک پلان آ شکل است که در آن قسمت وسطی با فوس‌های طاقی مورب آن، حرکت به جهت دیوار قبله را تأکید می‌کند. این پلان آ شکل، تکاملی شکلی خود را تا دوره «الموحدون» ادامه نداد اما توسعه مسجد در زمان الحکم دوم نخستین مراحل به‌سوی تغییر در آندلس و تأثیر هنری آن در منطقه را نشان داد. طاق‌های گنبدی چنان با فوس‌های منظم متقاطع در قسمت میانی نمازخانه مسجد شکل گرفته‌اند که پهنای بیش‌تری را به تالار نمازخانه می‌بخشند. این طاق‌ها دارای فوس‌های نعل‌اسبی است و در پنج دهانه بالایی مقصوره، ستون‌ها و فوس‌ها به‌شکلی بسیار غنی و پیچیده و درهم‌تنیده شده‌اند. ستون‌های واقع در کناره‌های طاق‌گنبدی‌ها به‌دلیل باربر بودن مشخص هستند و هر کدام دارای دو سرستون حجاری‌شده از یک قطعه سنگ می‌باشند.

۳ - در این قسمت تزئینات فراوان گیاهی وجود دارد که با سنگ مرمر، گچ‌بری، کاشی و اندود آهک و گچ اجرا شده‌اند. کاشی‌کاری‌های روی نمای ساباط و اطراف محراب به‌طور شگفت‌انگیزی پُرکار و زیباست و سقف‌های چوبی نیز منبت‌کاری شده‌اند.

پلان مسجد جامع نلمسن (۱۱۳۶ م.) و توسعه بخش شمال  
 غربی در قرن ۱۳ م. فضای محراب چند ضلعی آن در پشت  
 دیوار قبله قرار گرفته است.



باب مردم در طایفه (تولدو) که هم اکنون کلیسا شده است. در  
 این جا سقفی بر روی گنبد داخلی وسط بنا شده است.



از دید بیرونی، هر بخش از دیوارهای شرقی و غربی دارای نماهای سه‌قسمتی و در واقع تکرار نمونه‌های «باب‌الوزراء» در سال ۷۸۵ میلادی است. از زمان توسعه مسجد این تغییر شکل به صورت طاق‌های متقاطع با قوس نعل اسبی و با ادامه یافتن در سرتاسر وسط مسجد انجام گرفته بود، نظمی که بعداً در دوره‌های «المرابطون» و «الموحدون» به کار گرفته شد. قوس‌های نیم‌دایره‌ای آویزان، ساده و دولایه‌ای که قبلاً پنجره‌های «باب‌الوزراء» را تزیین می‌کردند حالا در نقش سازه‌ای نما، تأثیر درخشانی در چهار پنجره قسمت بالایی طاق‌ها داشتند. هر یک از سه پنجره قسمت بالایی در طاق‌گنبدی‌های مقصوره، هشت قوس متقاطع سازه‌ای دارد و در مجموع در قالب یک هشت‌ضلعی، فضاهای کوچکی را در چهار گوشه آن به وجود آورده‌اند که توسط قوس‌های نعل اسبی یا قوس‌های نیم‌دایره‌ای آویزان بسته شده‌اند. پنجره‌ها فقط در بالای این قوس‌ها قرار دارد و فضاهای گوشه با قوس‌های کنگره‌دار صدفی شکل پوشیده شده‌اند.<sup>۴</sup> در بین چهره‌های بیرون‌زده از قوس‌های سازه اصلی که طاق‌های گنبدی را شکل داده‌اند نورگیرهای قوسی کوچک‌تری نیز وجود دارند که نور را به فضای زیرین می‌رسانند. در فضای کم‌نور داخلی مسجد، این پنجره‌های بالایی با تأمین نور، فضایی ایمانی را در محوطه محراب ایجاد می‌کرد. بعدها استفاده از این نوع پنجره‌ها و ریزش نور در معماری دوره طایفه‌ای «الموحدون» و «مرینیان» به کار گرفته شد.

در توسعه الخکم دوم این موضوع با عنایت به ماهیت مسجد انجام گرفته بود. چهار پنجره قوسی طاق‌های گنبدی (در پلان آشکلی اولیه) به صورت‌های گوناگون قرار گرفته‌اند. سه‌تای جلوی محراب شکلی مربع دارند و بر اساس همان نظام تناسبی  $\sqrt{2}$  ساخته شده‌اند و اساس پلان آشکلی را به وجود آورده‌اند. در هر صورت چون که محور دهانه‌های نمای جنوبی در

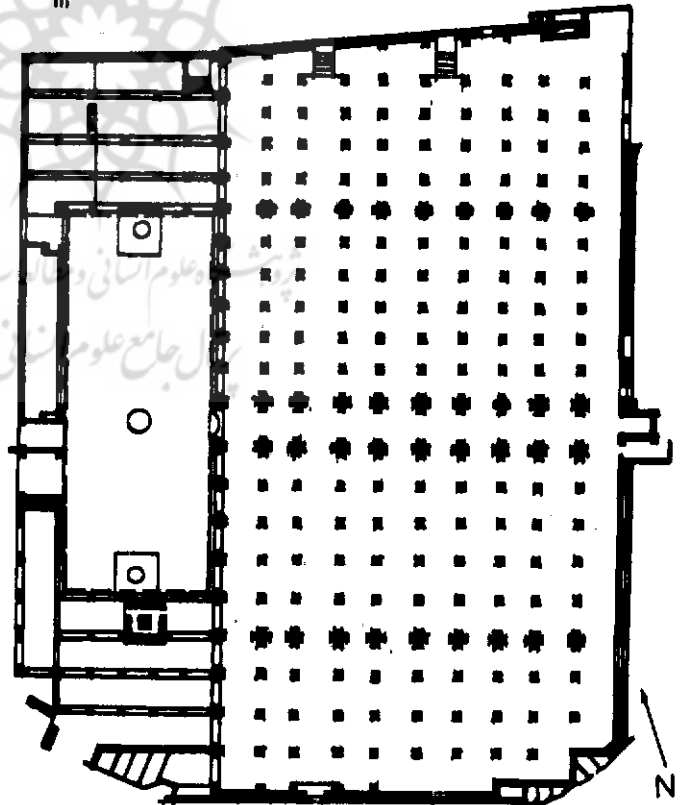
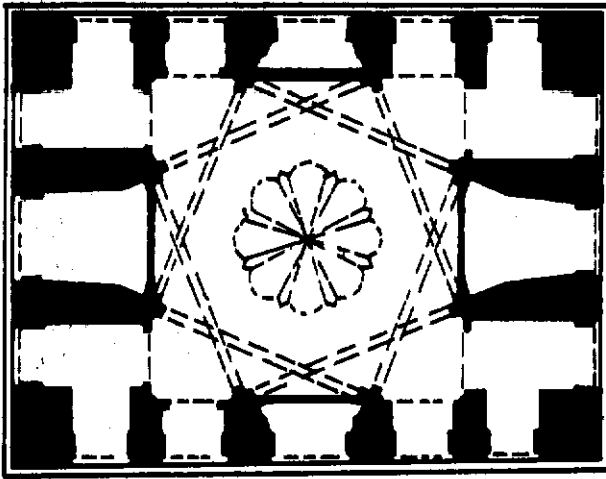
جهت دیوار قبله کشیده شده است، اساس طرح بازلیکایی مسجد الاقصی را حفظ کرده است. پلان آشکلی به گونه‌ای کامل در مساجد فاطمیان در قاهره و چندی بعد در «الازهر» (۷۲-۹۷۰ میلادی) و در «الحاکم» (۱۰۱۳-۹۹۰ میلادی) توسعه یافت و در سرزمین‌های غربی اسلام و در معماری دوره «الموحدون» آندلس، این موضوع به اوج خود رسید.

منبر، سنگوی خطابه‌ای بزرگ، چوبی و قابل حمل و نقل بود که شامل یک رشته بله طولانی از کف تا محل نشستن خطیب در انتهای بالایی بود. در مسجد قرطبه مدخلی در نزدیک محراب برای دسترسی به منبر قرار داشت که از پشت به فضای بین دو دیوار قبله متصل بود. منبر، زمانی که به آن احتیاج نبود از محل مقصوره جابه‌جا می‌شد. محراب الخکم دوم شکلی ممتاز و یگانه‌ای داشت که یکی از آثار فاخر معماری اسلامی است. این محراب از یک فضای حجره‌مانند هشت‌ضلعی شکل گرفته که یکی از محورهای قطری آن دارای عمق بیش‌تری است. سنگ‌های بلند و مرمرین ازاره، قرنیز [گچ‌بری‌های بالای محراب و زیر سقف] و قسمت بالایی با قوس‌های نیم‌دایره‌ای سه‌تایی (قوس‌های دندانه‌ای) فضایی شکوهمند و ربانی دارد. سقف آن با تزییناتی به شکل قوس‌های کنگره‌دار دندانه‌ای، طرحی است که بر اساس موتیف‌های محراب عبدالرحمن اول شناخته شده است.

الخکم دوم علاقه‌ای خاص به ایجاد ساختمان‌های جدید داشت. بر طبق نوشته‌های «ابن ازهری» (Ibn Idhari) حدود چهار ماه بعد از تکمیل طاق‌های جلوی محراب، بین ۹ تا ۱۹ اکتبر ۹۶۵ میلادی، الخکم دوم از «مدینه‌الزهراء» به جهت بررسی کارها عزیمت کرد. این فرصت مناسبی بود که دستوراتی را برای به کار بستن چهار ستون کوچک، زیبا و استثنایی به تیرهای بیرون‌آمده از محراب قدیمی عبدالرحمن دوم بدهد و آن را محل محراب جدید قرار دهد. این نوشته و دیگر

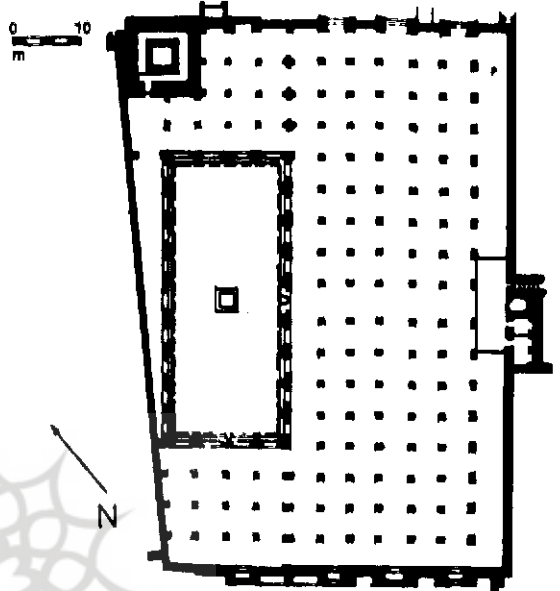
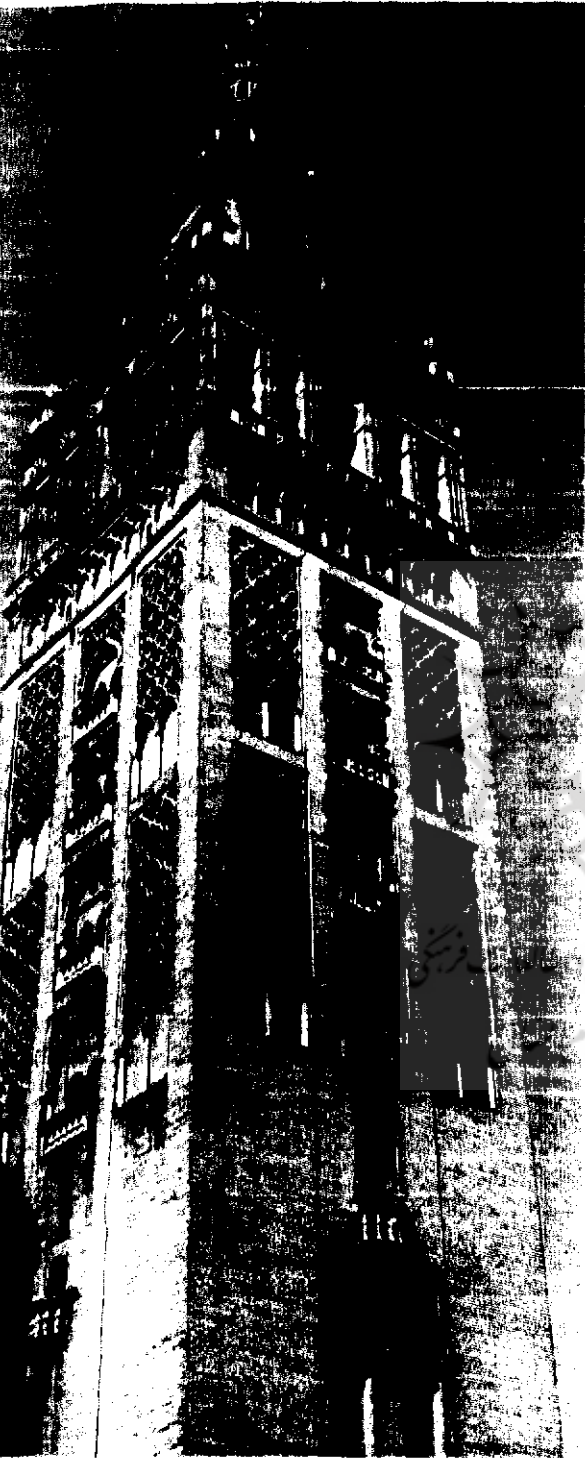


پلان قبه «البها» الدیبین» در مراکش. تنها قسمتی که از «مسجد علی» باقی مانده است.



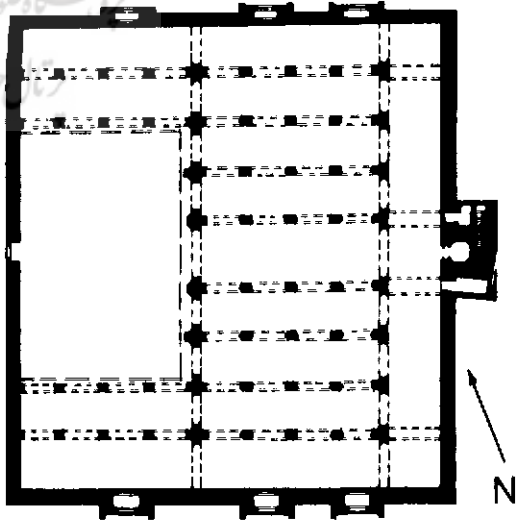
پلان مسجد «غروبین» در فاس مراکش. دیوار قبله جدید و طاق‌های الحاقی آن در سال ۱۱۳۶ م. در سمت راست نقشه دیده می‌شوند.

◀ مناره «جیرالده» (قرن ۱۲ م.) یا مناره مسجد جامع ایشیلیه (سویل). قسمت بالایی مناره در قرن ۱۶ م. بعد از اینکه سرج به استفاده کلیسا در آمد به آن اضافه گردید.



▲ پلان مسجد دوم گنیه در مراکش. منار حجیم آن در شمال شرقی نقشه (دوم) قرار گرفته است.

پلان «مسجد جمعه» در نیشمال، ۲-۱۱۵۳ م.



روایات که خلیفه تا چه حد به آثار پیشینیان و اجداد خویش توجه داشته، قابل توجه و عجیب است. حصار پیرامون مقصوره در جلوی محراب که مخصوص خلیفه و درباریان کشیده شده بود، حالا، محدوده‌ای برابر پنج دهانه از یازده دهانه را دربر می‌گرفت و به شکل بسیار پیچیده‌ای با سنگ، مرمر، کاشی، چوب و نقوش گوناگون تزیین یافته بود. تعدد روش‌های تزیینی در این جا نشان می‌دهد که کارگاه‌های گوناگونی که منشأ آن در شرق و نیز در غرب بوده در این زمینه‌ها فعالیت داشته‌اند. از این پس اختلاف سنت‌های شبه جزیره ایبریا را با دیگر مکتب‌های هنری از بغداد و بیزانس می‌بینیم، هر چند که عناصر اسلامی آندلس (اسلامی-اسپانیایی) غالب بوده است.

از دیگر نوآوری‌های بزرگ در توسعه زمان الحکم دوم، فراوانی و شکوهمندی تزیینات است. هر دو جنبه در جهت تأکید بر اعتبار و کارکردهای مذهبی خلیفه است. ممنوعیت آکید تصویر و تمثال در مساجد، خلق تزیینات نمادین و نقوش انتزاعی را ترغیب می‌کند و این موضوع در طاق‌های جلوی محراب به شکل قابل توجهی به کار رفته‌اند؛ این تزیینات در یک زمینه طلایی‌رنگ قرار دارند. در موزاییک‌کاری مذهبی بیزانس، همین زمینه‌های طلایی با تزیینات گل و گیاه نمادی از بهشت هستند، در این جا وسط بخشی از طاق اصلی، یک طاق کوچک‌تر و نیم‌کره‌ای شکل وجود دارد، یعنی از جایی که به نظر می‌رسد اشعه‌های طلایی پرتوافشانی می‌کنند. آیا این یک نماد انتزاعی و غیرمستقیم الوهیت در مرکز ثبت نیست؟ بخش داخلی نیم‌کره با اشعه‌های طلایی به وضوح از بخش تزیینی آن جدا شده است. در پرتوهای این تابش طرح‌های درخت انار، میوه کاج، گل‌ها و برگ‌ها وجود دارند، هر یک از دو پرتو بر روی محور تقارن محراب دارای یک تاج نمادین با سنگ‌های قیمتی و شکل و شمایل گیاهان است، اگرچه، برخلاف فاطمیان در مصر، خلیفه‌های آندلسی

تاج بر سر نمی‌گذاشتند، این تاج‌های گیاهی نمادی از عظمت و اقتدار بودند. شکل آویزان آن‌ها بر بالای سر خلیفه، هنگامی که وی در مقصوره حضور می‌یافت حالتی شبیه به تاج پادشاهان مسیحی داشت. به نظر می‌رسد که این موضوع هم ناپیشگر اعتبار مذهبی خلیفه به‌عنوان یک پیشوا و هم بیانگر اعتبار پایدار او به‌عنوان یک حاکم باشد. شاید طاق‌های کلاسیک تزیین شده در شکل یک خیمه یا سایبان منحنی شکل و کنگره‌ای، منبع الهامی برای کلیت شکل اسلامی آن شده است که سایبان یا خیمه خداوند بر روی زمین است.

طرح و نقش نمادین اسلامی از اوایل قرن دهم میلادی در هنر این سرزمین توسعه یافت. این نقوش به شکل ساده‌تری قبلاً در هنر دوره اولیه امویان در شرق نزدیک و در کاشی‌کاری‌های «قبة الصخره» (فلسطین) و مسجد دمشق وجود داشت. در «قصر عمره» (در اردن فعلی Qusayr Amra) نقش‌هایی از دایرة البروج برگرفته از کلاسیک باستان، اتروسک‌های رومی، هنر مسیحیت اولیه و هنر بیزانس وجود دارند.<sup>۵</sup> نمادها و نشانه‌های انتزاعی که در بخش توسعه مسجد جامع قرطبه در دوره الحکم دوم به کار رفته است، در نقوش سقف چوبی تالار تخت «قمارش» (Comares) «الحمراء» (Alhambra - ۲-۱۳۵۰ میلادی) به اوج خود می‌رسد.

سلسله امویان در آندلس رو به زوال نهاد. با استفاده از ضعف خلیفه «هشام دوم» و دیکتاتوری نظامی وزیر وی «المنصور»، آخرین دوره خلافت نیز به پایان می‌رسید. المنصور متعاقب افزایش جمعیت شهر قرطبه، چهارمین و آخرین توسعه مسجد را به طرف شرق و در مقیاسی وسیع انجام داد. این بار ساختمان مسجد به جای درازشدن، پهن و هریض گردید. طرح او ساده بود و احترامش را به کار الحکم نشان می‌دهد. وی در این جا همان نظام تناسبی و البته بر اساس درازایی با طول دو مستطیل  $\sqrt{3}$  را دنبال کرد. معمار آن تمام طول زمین

مسجد را به سمت شرق به دو بخش مساوی تقسیم نمود. بنابراین هر یک از قسمت‌های ایجادشده، همان ارزش مرسوم و طولی برابر با همان مستطیل  $\sqrt{3}$  را داشت. این روش توسعه سطح وسیعی را به جهت گسترش مسجد به دست وی داد و این همان استفاده از روش تناسباتی و محاسباتی بود که الحکم دوم انجام داد.

اما طاق‌های جدید با آن ردیف از طاق‌ها که در اولین توسعه ساخته شدند در یک صف قرار نگرفتند، علت آن بود که برای این طاق‌های جدید هیچ‌گونه پشت‌بند یا شمع برای تقویت و مهارشان در طول صحن حیاط وجود نداشت و نیز ستون‌ها یا چرخ‌ها که به پشت‌بندهای ساخته‌شده در قرن هشتم مربوط بودند با این تازه‌سازها در یک ردیف قرار نمی‌گرفتند. علاوه بر همه این‌ها، هیچ‌گونه دیوار قبله داخلی برای توسعه زمان المنصور وجود نداشت تا این نظم ردیفی رعایت گردد. در واقع توسعه المنصور یک طرح ساده و به عبارتی تقلیدی از گذشتگان بود، اما سازگاری و تطبیق طاق‌های جدید با نقشه قدیمی، خود باعث ابداع و احداث چند نوع قوس نعل اسبی دندان‌دار آویزه‌ای شکل گشت. معمار جدید، فضای توسعه یافته را با بنای مسجد توسط بازده قوس نعل اسبی کنگره‌ای و نیز تخریب و جرح و تعدیل در دیوار نمای شرقی مسجد اولیه پیوند داد.

سرانجام این چنین بنای ساختمان مسجد قرطبه به پایان رسید. ساختمان‌های مذهبی در پایتخت هیچ‌گاه دچار محدودیت نبودند. مسجد کوچک «باب‌المردم» (Bab al/Mordum) که امروز با کلیسای به نام (Cristo de La Luz) شناخته می‌شود در سال ۹۹۹-۱۰۰۰ میلادی در طلیطله (تولدو - Toledo) به همت و هزینه شهروندان ساخته شد، اگرچه این مسجد به تفسیر یک پژوهشگر برداشتی از توسعه مسجد قرطبه در زمان الحکم و در یک مقیاس کوچک‌تر بوده

است اما با توجه به طرح آشکل در طبقه فوقانی آن به نظر می‌رسد که نظام پلان آن شبیه به مساجد بلخ، «ابوطالب» (در قاهره)، «بوظاطه» (در Souss) و «لاس تورنراس» (Las Torneras) در طلیطله است. پلان مربع شکل آن به نوعی در نما، که بر اساس نظام تناسبانی  $\sqrt{2}$  ساخته شده، منعکس گشته است.

### دوره ملوک الطوایفی

بعد از مرگ «المظفر» فرزند المنصور در سال ۱۰۰۸ میلادی، دوره خلافت از بین رفت و تا سال ۱۰۳۱ میلادی، آندلس به چندین حکومت جزه و ملوک الطوایفی تقسیم گشت. زمانی که «آلفونسوی ششم» مسیحی سرانجام شهر طلیطله (تولدو) را در سال ۱۰۸۵ میلادی تسخیر کرد، حاکمان طوایف در صدد دریافت کمک از امیر «المراسطون»، «یوسف بن تاشفین» برآمدند. یوسف از تنگد جبل الطارق گذشت، به حکومت ملوک الطوایفی پایان داد و با الحاق آندلس به امپراتوری شمال آفریقا حکومتی متحد و یکپارچه ساخت. در واقع دوره طایفه‌های کوچک، دوره انتقال بود.

بهترین بنای به‌جامانده از این دوره کاخ «الجعفریه» در نزدیکی «سرقسطه» (زاراگوزا - Zaragoza) است که در آن یکی از غنی‌ترین تزیینات نمازخانه و محراب در غرب اسلام وجود دارد. این قصر دارای پلان چهارگوش و قوس‌های ترکیبی و درهم‌بافته شده است که مجموعه‌ای از نقوش و طرح‌های برجسته S شکل مقرر و محذب را به نمایش گذاشته است. در کُنج‌ها، قوس‌ها در تلاقی با یکدیگر به شکل هشت‌ضلعی درمی‌آیند. تورفتگی محراب آن شامل قوس‌های نعل اسبی بر روی یک جفت ستون، دیوار چند وجهی و سقفی به شکل صدف دندان‌دار است. در حقیقت می‌توان گفت که محراب «الجعفریه» نمونه مینیاتوری محراب الحکم دوم در «قرطبه» است. در زمینه و

کتیبه‌های بین قوس‌های آن تزییناتی از گیاهان بهشتی هم چون درخت انار، مبره کاج به‌طور متناوب نقش بسته‌اند. چنین نقوشی قبلاً در تزیینات دوران خلافت در مدینه‌الزهرا و نیز در توسعه بناهای الحکم دوم در مسجد قرطبه وجود داشتند. در بالای قوس‌های آن ردیفی از قوس‌های دایره‌ای شکل درهم پیچیده و در هر طرف دو تا، با پنجره‌هایی در پشت آن ساخته شده است. این نمازخانه کوچک با گچ‌بری تزیینی مشبک به نقش گل و گیاه، اشعه نور پنجره‌های بالا را از میان روزنه‌های خود به‌شکلی نلطیف شده عبور می‌دهد. نمایش رمزآلود نور و ریزش آن از بالا اقتباسی از طاق‌های سبک اسپانیایی - مغربی است. نمونه‌هایی نظیر: تلمسن (Tlemcen) در دوره «المرابطون» (در شمال آفریقا - ۱۱۳۶ میلادی) و نیز تازا (Taza) در دوره «مرینیان» (۲-۱۲۹۱ میلادی)؛ این نمونه‌ای از تمایل مسلمانان در تغییر شکل سازه‌های معماری به طرح‌های تزیینی و بیان احساسی از بی‌وزنی پنهان در سازه اصلی است.

### دوره المرابطون

حکومت افریقیایی «المرابطون» (۱۱۴۷-۱۰۸۶ میلادی) به رهبری «یوسف بن تاشفین» دولت یکپارچه‌ای را با فتح آندلس تأسیس کرد. اما در عهد سلطنت فرزندش «علی بن یوسف» بود که هنر و فرهنگ آندلس به تدریج تحت تسلط اندیشه صحرائشبان قرار گرفت.

دیدگاه اعتقادی و بنیادگرایانه «المرابطون»، سادگی در معماری و پرهیز از تزیینات را در پی داشت. ستون‌ها آجری شدند و سپس بیش‌تر سطوح دیوار با آندود آهک و گچ، شکلی سفید و ساده به خود گرفتند. این چهره‌های صاف، راست‌گوشه و سفید، خود فضایی درخشان، جذاب و باوقار به وجود آورد. ستون‌ها فقط در زمان «علی بن یوسف» دومین حاکم «المرابطون» بود که به‌عنوان عناصری ارزشمند در اطراف محراب شکل

گرفتند. مساجد دوره «المرابطون» بسیار پهن و دارای قوس‌های متقاطع، متنوع و مختلط و به شکل‌های گرده، نوک‌تیز و دندانه‌دار نعل‌اسبی بود که طرح و نقوش ماریچی شکل بر سطوح قوس‌ها ظاهر شده بود. رواق‌ها تنها در بخش شرقی و غربی صحن حیاط ساخته شدند. اتاقک‌های مخصوص جابه‌جایی منبر، هم چون مسجد قرطبه در سمت راست محراب قرار گرفت، در حالی که در سمت چپ مدخلی به طرف اتاق امام جماعت ساخته شد. فضای مناسب جلوی محراب با یک قوس موزن به‌گونه‌ای تأکید شده است که بخش میانی فضای نمازخانه را پهن‌تر تداعی می‌کند. طاق جلوی محراب دارای روزنه‌هایی برای جذب نور است. هم چنین در اتاق‌ها تزیینات مقرنس به کار رفته است که نوآوری زمان «المرابطون» است. مقرنس‌ها که تمامی دهانه‌های زیر قوس‌ها را پوشانده‌اند ترکیب هندسی از شکل‌های منشوری سه‌گوش و چهارگوش و آویزان هستند که در واقع هرکدام یک چهارم حجم کامل را دارند. مقرنس یکی از نشانه‌های تمام‌عیار معماری اسلامی در جهان است که ریشه در شرق اسلامی دارد. شکل مقرنس‌ها و شکستگی‌های متناوب آن‌ها، جلوه‌ای خاص از ترکیب احجام و بازی‌های سایه‌روشن را دارد.

در دوره «المرابطون» استفاده از چند وجهی بودن محراب، همانند مسجد جامع قرطبه، رعایت شد و تزیینات گیاهی آن به شکل گچ‌بری، منبت، مشبک و با استفاده از صدف و چوب و نیز برنز صورت گرفت. روش کارگاه‌های این صنایع در آندلس بیش‌تر شیوه دوره خلفا بود تا روش دوره ملوک الطوائفی.

مساجد «اندرومه» (Nedroma) و «الجزایر» (Algiers) متعلق به اوایل دوره المرابطون و در زمان یوسف بن تاشفین است که غالباً ستون‌های چهارگوش دارد. در این مساجد نیز فرارگیری ردیفی محورها در جهت قبله حفظ شده‌اند. مسجد بزرگ «الجزایر» یازده دهانه دارد که سه دهانه بیرونی نمازخانه در هر دو سمت

به طرف صحن حیاط جلوآمدگی دارند. تالار نمازخانه تنها شامل پنج دهانه عمیق است که با سه طاق گنبدی متمایز در طول پلان بازیلیکایی آن قرار گرفته‌اند، طاق بیرونی حیاط را از تالار نمازخانه جدا می‌کند و طاق داخلی (اولی) تا کنار قبله آمده است، طاق وسطی که پهن‌تر است دارای حوزة‌های پنج‌قسمتی است، تمامی این‌ها شروع تغییر شکل در محوره‌های بازیلیکایی دهانه‌ها است.

مسجد تلمسن الجزائر، ساخته شده در سال ۱۱۳۵-۶ میلادی متعلق به دوره امارت امیر علی بن یوسف است که شبیه به مسجد «غروییین» (Qarawiyyin) در فاس (Fez) و قبة البهاء الدیبیین (Qubba al Baediyin) در مراکش است. مسجد تلمسن پلان غیر معمولی دارد. دلیل آن این است که زمین در مجاورت آرامگاه نصر قدیمی قرار گرفته و نقشه آن به شکل پنج ضلعی درآمده است. این مسجد دارای سیزده دهانه طولی است که طاق‌های متقاطع در وسط بخش نمازخانه را از صحن حیاط جدا کرده‌اند. فضای جلوی محراب دارای روزنه‌هایی در سقف است که از میان آن‌ها ریزش نور نلطیف شده و اسرارآمیزی از بالا سایه‌روشنی زیبا را بر کف مسجد ایجاد می‌کند. این طاق‌ها با قوس‌هایی متقاطع و خارج از مرکز، مقرنس‌هایی ظریف و مینیاتوری را هم چون یک تاج ایجاد کرده‌اند، جایی که شکل تابش یک ستاره سه‌تایی دوازده گوشه وجود دارد. این طاق نیز هم چون طاق‌های مقصور قرطبه از نظام تناسباتی  $\sqrt{3}$  تبعیت می‌کند.

این طاق‌ها هم چون یک نیم‌کره شکل گرفته‌اند و قوس‌های اصلی آن با قوس‌های تزینی گچی و به شکل برگ نخل در هم آمیخته‌اند. محراب آن نیز هم چون مسجد قرطبه دارای ساختاری چند ضلعی و با نمایی تزینی به شکل صدف است. مسجد «غروییین» در فاس (قرن نهم میلادی) دارای هفت دهانه موازی و در راستای قبله است، نوآوری علی بن یوسف، در سال

۷-۱۱۳۶ میلادی، تخریب دیوار قبله و اضافه کردن سه دهانه موازی دیگر به مجموعه بود اما مهم‌ترین تغییرات او ساختن یک محور اصلی و تالار مانند از حیاط به طرف محراب بود به طوری که شش دهانه متوالی نزدیک به محراب از دیگر طاق‌ها بلندتر بود. پشت دیوار قبله این مسجد فضای مخصوص مراسم تشییع و نماز بر میت بود.

همة آنچه که از مسجد «علی» در مراکش باقی مانده است قبة البهاء الدیبیین (حدود ۱۱۲۰ میلادی) است که با حوض و فواره‌ای به صورت وضوخانه درآمده است. در اطراف آن دستشویی‌ها و اتاق‌های دیگر وجود داشته و طاق‌های آن همانند طاق‌های مغرب و آندلس بوده است، طاق‌هایی نعل اسبی شکل که شیارهای زیگزاگ‌گونه بر آن نقش برجسته ایجاد کرده‌اند. در این‌جا التقاطی از سبک‌های مغرب-اسپانیایی با معماری اسلامی شرق نزدیک به وجود آمده‌اند. در قوس‌های بالایی مقرنس‌های مینیاتوری در گنچ‌های خود به وجود آورده‌اند و کتیبه‌های بین دو قوس با نفوشی وسیع به شکل برگ‌های گیاه گنگر و نخل‌های کنده‌کاری درآمده‌اند.

#### دوره خلافت الموحدون

«الموحدون»، اقوام بربرنژاد «مسموده» (Masmuda) از کوه‌های جنوب مراکش بودند و در مقابل «المرابطون» که از نژاد بربرهای «صنهاجه» (Sanhaja) از مرکز مراکش بودند، قیام کردند. «الموحدون» اصولی تازه، سخت و ریاضتی بر مبنای یکتاپرستی - برگرفته از نام‌شان (موحد) - سر لوحه اندیشه خود داشتند. «ابن تومرت» (Ibn Tumart) این جنبش فکری را حدود سال ۱۱۲۰ میلادی به راه انداخت و «عبدالمؤمن» با قیام خود و متکی بر این اندیشه، «المرابطون» را منقرض نمود و مراکش را در سال ۱۱۴۷ به تسخیر خود درآورد. در این زمان آندلس برای مدتی کوتاه به دو حوزة

حکمرانی تقسیم گردید.

گیرایی مساجد «الموحدون» در بزرگی فضاها و یادمان‌گونگی مناره‌هایش است. تزیینات آن برگرفته از عناصر معماری بوده و طرح‌ها و نقوش هندسی خطی، بر نمونه‌های اسلیمی گجاهی غلبه دارد. در معماری «الموحدون» تلفیق و گیره خوردن قوس‌های طاق آن، ترکیبی از شکل‌های خطی است که با مقرنس پُر شده‌اند. سازه نمایان و تیر چوبی شکل سقف‌های آن به وسیله نقوش هندسی پوشانده شده است. حالا برخلاف شیوه آندلسی که تزیینات اسلیمی گیاهی، شکل غالب تزیینات بود، در این جا کتیبه‌های خطی آیات قرآن نقش اصلی تزیینات را به عهده گرفته‌اند.

برجستگی‌های سنت معماری اسلامی - اسپانیایی، استفاده از نظام تناسبی برای ایجاد تالارهایی با دهانه پهن‌تر، تزیینات بیش‌تر در محراب و اطراف آن، قوس‌های نعل اسبی دندانه‌دار به شکل زیبا و ظریف و نیز ترکیب کلی لوزی شکل است. نوآوری برجسته این دوره توسعه و تکمیل پلان‌ها به شکل T یا L است که جایگزین پلان‌های ساده‌تر دوره امویان گشته است. عبدالؤمن، اولین خلیفه «الموحدون»، مسجدی را به یاد «ابن نومت» در سال ۴-۱۱۵۳ میلادی ساخت. ساختمان دارای پلانی T شکل است به صورتی که دهانه مرکزی نمازخانه پهن‌تر و عمود بر دیوار قبله کشیده شده است و فضایی متقاطع با آن به موازات دیوار قبله قرار دارد. به‌طور کلی فضای کنار دیوارها به شکل L به‌گردد فضای نمازخانه و حیاط کشیده شده‌اند. فضای جلوی دیوار قبله به‌گونه‌ای زیبا با طاق‌های مقرنس تزیین یافته‌اند و نظیر این قبلاً در هنر فاطمیان مصر، در مسجد «الحاکم» قاهره به سال ۱۰۱۳-۹۹۰ میلادی به‌وجود آمده بود.

حفرای‌های اخیر طرح راهروی دیگری در بخش شمالی صحن را نشان می‌دهد که هرگز ساخته نشده است. این فضای چرخشی و پیوسته در سه طرف فضای

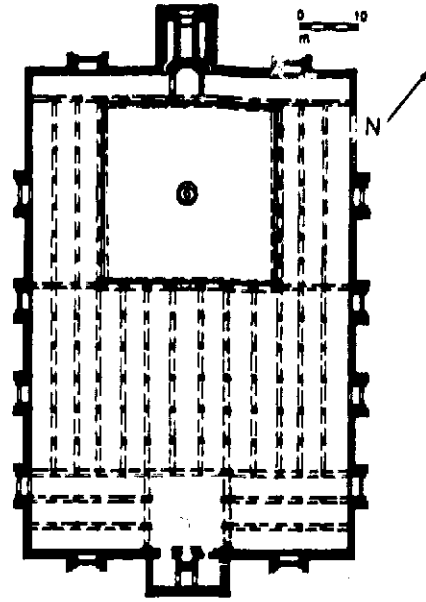
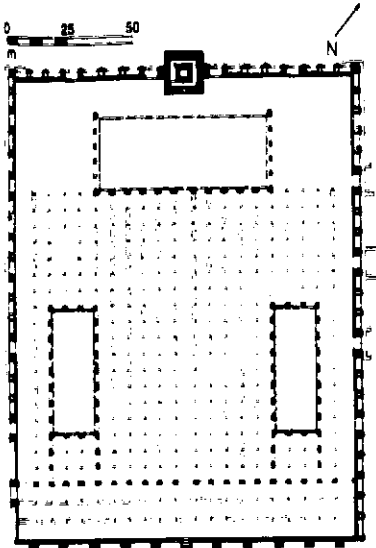
مرکزی در تالارهای کاخ اوایل دوره امویان و نیز «مدینه الزهراء» اجرا شده است با این تفاوت که در این‌جا فضاها به‌طور کامل تقسیم شده و مجزا هستند. همین پیوستگی در مسجد و گسستگی در کاخ‌ها، تفاوت اساسی معماری کاخ‌ها با معماری بناهای مذهبی است. محراب چندوجهی تیمال (Tinmal) با طاق‌های مقرنس، در پایین و داخل بنای مناره قرار گرفته است. مناره که بر روی شیب طبیعی زمین مسجد بنا شده است به‌عنوان پشت‌بند و حمایت دیوار قبله و محراب عمل می‌کند. به‌علاوه شامل اتاق مخصوص منبر، ورودی مخصوص امام جماعت و پله‌خانه مناره نیز می‌باشد. نظام تناسبی در آن رهايت گشته است به‌طوری که طول ضلع بزرگ‌تر مناره یک‌پنجم طول دیوار قبله بوده و به‌دلیل آنکه مناره به‌طور سنتی در وسط طول دیوار قرار داشته، حاصل نسبت ۲،۱،۲ است.

ساخت مسجد کُتَبیّه (Kutubiyya) در مراکش که

در سال ۱۱۴۷ میلادی شروع شد ادامه نیافت و به‌علت این‌که جهت قبله آن صحیح نبوده، تخریب گردیده است. دومین مسجد کتبیبه پشت دیوار قبله قدیمی ساخته شد که هم‌اکنون دیوار حیاط است. محل مناره مسجد در نمای مسجد فعلی و در واقع بین دو مسجد قدیم و جدید قرار گرفته است. در مسجد جدید نیز نسبت طول ضلع مناره به طول دیوار نمای مسجد پنج به یک است، زمانی که دو نمای مسجد توسط طول ضلع مناره هم‌پوشانی می‌شود نسبت کلی در نما ۴،۱،۴ است. فضای نمازخانه کُتَبیّه با ایجاد سایه‌روشن‌های متناوب و زیبا، تقلیدی از «تالار شاهان» دوره «نصریه» در قصر الحمراي غرناطه است.

شکل مستطیلی مسجد با ستون‌های صلیبی و T شکل و نیز ستون‌های کوتاه‌تر آن با مجموعه‌ای از شنی‌ترین و متنوع‌ترین سرستون‌های سبک مغربی - اسپانیایی قرن دوازدهم زیست یافته‌اند. قوس‌های خوش‌تناسب، ظریف و زیبا با طرح‌های





▲ ▼ «مسجد حسین» در ریاط. نقشه طیفه همگفت و نهای از مناره و ستون‌های مسجد که در اواخر قرن ۱۲ م. ساخته شده است.

▲ نقشه مسجد «المسور» (۳۶-۱۳۰۳). ورودی و فرارگیری مناره در شمال غربی و رویه روی محراب (جنوب شرقی)



نعل اسبی پیچیده و متنوع، جدا از دیوارهای ساده و سفید، شکوه و جذابیت خاصی به این مسجد داده است.

پیش‌تر مساجد اشبیلیه (سویل) که در بین سال‌های ۹۸-۱۱۵۶ ساخته شدند برای کلیساهای جامع گوتیک تخریب شدند اما به هر حال مناره بزرگ «جیرالده» (Giralda) در دوره «الموحدون» با دو حیاط زیبا، قوس‌های نعل اسبی دندانه‌دار، ورودی اصلی بزرگ با در فلزی تزئین یافته به اشکال هندسی و نیز کوبه‌هایی بزرگ و مزین به تزیینات گیاهی هنوز به جا مانده است.

مسجد «قصبه» (Qasba) در مراکش با پلان سبک «الموحدون»، چرخش و برگشت ماهرانه‌ای در تعادل بین فضای داخلی و بیرونی دارد و محورهای نمازخانه به حداقل کاهش یافته‌اند. این شکل بازویی در اطراف به صورت چرخشی با رواقی در سمت شمال، گردش را کامل کرده است. بازگشت بنیانی به احجام، با کمی فضای سرپوشیده و نیز بخش‌های بزرگ و باز رو به آسمان، در معماری اسلام سبک مغربی-اسپانیایی یگانه است. چهار قوس که در ارتفاع و پهنا بیش از حد بزرگ هستند، فضای میانی را از چهار بخش جانبی متمایز می‌سازد. با این یادآوری که نکر و طرح اصلی چهار ایوانی در مساجد، در معماری اسلامی شرقی به وجود آمده‌اند.

در طول قرن دوازدهم میلادی، سپاهیان مسیحی در قسمت شمالی شبه جزیره ایبریا، دایماً آندلس را مورد تهدید قرار می‌دادند. از این رو در سال ۱۱۹۵ میلادی سومین خلیفه «الموحدون»، «یعقوب المنصور»، سپاه بزرگی را در «رباط» جمع کرده وی با گذشتن از تنگه جبل الطارق و با پیروزی بر «کاستیل» در (Alarcos) شهرت یافت. به افتخار این پیروزی، طرح و ساخت «مسجد جمعه» شهر رباط را شروع کرد. به قصد این که بنایی وسیع‌تر و بزرگ‌تر از مسجد قرطبه بنا کند. این مسجد هرگز به پایان نرسید اما امروز هر کس که از رباط

دیدن می‌کند نمی‌تواند تمجب و حیرت خود را از «مسجد حسن» رباط پنهان دارد.

کار ساخت مسجد حسن با مناره‌ای بر روی شیب یک تپه آغاز گردید. موقعیت و شکل پلان یادآور سبک‌های قبلی است. پهنای مسجد بر اساس دو دسته دهانه پنج‌ردیفی در هر طرف چپ و راست است که در مرکز بر هم منطبق شده‌اند و طبق معمول بخش مرکزی دیوار توسط مناره اشغال شده است به طوری که نسبت ۴،۱،۴ در طول دیوار شمالی حاصل شده است. این تناسب نظیر تقسیمات نمای مسجدهای (قدیم و جدید) کُثیبه است. فضای اصلی نمازخانه شامل ۲۱ محور طولی است که دهانه وسطی (دهانه شمالی جنوبی وسط مسجد) پهن‌تر است. سه دهانه عرضی بزرگ و خلاف جهت محورهای طولی به موازات دیوار قبله قرار گرفته‌اند. یکی از این دهانه‌های عرضی به همراه دو دهانه طولی کناری (در شرق و غرب نمازخانه)، فضای چرخش لاشکل را ایجاد کرده‌اند. مسجد حسن رباط تنها نمونه دوره «الموحدون» است که ستون‌های آن ارتفاع‌های مختلفی را دارد. سعی در نوآوری، در نهایت موجب عدم توسعه مسجد شده است. سه حیاط داخلی صحن‌های این مسجد وسیع در حقیقت به مثابه تأمین نور فضای نمازخانه، یکی به صورت عرضی و بزرگ‌تر و دو تای دیگر به صورت طولی و در طرفین طرح‌ریزی شده‌اند.

سه مناره باشکوه دوره «الموحدون» یعنی کُثیبه، جیرالده و حسن به پیروی از مناره مسجد قرطبه (ساخته عبدالرحمن سوم - ۹۵۱ میلادی) شکل یافته‌اند. ساختار داخلی هر سه به گونه‌ای شبیه به برج‌های فانوس دریایی است. پلکان داخلی در حول محور مرکزی بنا قرار دارد. نماهای تزیینی مناره‌های کثیبه و جیرالده با فضای پلکانی داخلی و نیز تأمین نور آن هم‌آهنگی دارد. در چهار طرف مناره مسجد حسن تزیینات بیرونی قوس‌ها و نیز تزیینات مشبک

لوزی شکل از ارتفاع میانی شروع می‌شود. طرح‌های اسلیمی گیاهی گچ‌بری شده نمای مناره کتبیبه و نیز کاشی‌های معرق آن هنوز حفظ شده‌اند، اما، در نمای آجری جیرالده تزیینات گچ‌بری آن در دوران مرمت و نوسازی معاصر از بین رفته‌اند.

### دوره سلطان نشین‌ها

بعد از فروپاشی سلطنت «الموحدون» حکمروایی مسلمانان در شبه جزیره ایبری با سه حکومت کوچک «نصریه» در غرناطه (گرانادا) محدود گشت، دوره‌ای که در آن شاهکار معماری، قصر الحمراء، ساخته شد. هم‌زمان با این دوره، سلطان نشین «مرینی» در مراکش و حکومت «عبدالواد»، در الحزایو (کنونی) بودند.

مسجد المنصور (حدود ۱۳۰۳ تا ۱۳۳۶ میلادی) در طی دو دوره پادشاهی «ابوعقوب» و برادرزاده او «ابوالحسن» بنا گشت و این در زمان‌هایی بود که هر دو، تلمسن، پایتخت حکومت عبدالواد را به محاصره خود درآوردند. مسجد المنصور شامل ۱۳ دهانه عمود بر دیوار قبله و یک فضای کشیده برخلاف جهت این ۱۳ محور و به موازات دیوار قبله است. هم‌چنین در جلوی محراب فضای مربع شکل پهنی وجود دارد که نشان از نفوذ و تأثیر شیوه ایرانی - مملوکی را در این جا دارد. در طرف همان دیوار که مناره در آن قرار گرفته، ورودی اصلی مسجد نیز ایجاد شده است. شکل و شمایل کلی مسجد هویت نظامی و قلعه مانند دارد. صحن وسط مسجد با مصلای نمازگزاران مشخصاً به جهت نمازهای جماعت مورد استفاده قرار می‌گرفت. در پشت محراب نیز جایگاهی مخصوص مراسم وجود داشت. مناره موجود حاکی از تقلید از مناره‌های اولیه سبک «الموحدون» دارد.

مسجد «سید بومدین» (Sidi Bumadyan) در تلمسن توسط «ابوالحسن» به‌عنوان مکانی برای زائران مقبره قطب اهل تصوف و در مجاور آن ساخته شد.

محلی پیرامون مناره که به‌منظور اسکان زائران اختصاص یافت. پلکانی در یک طرف ورودی امکان دسترسی را به مدرسه علوم دینی و قرآنی در طبقه بالا و دستشویی و وضوخانه در طبقه پایین فراهم می‌کرد. نظم عملکردی که از شیوه «مملوک»ها در مصر گرفته شده بود. در اطراف حیاط نیز رواق‌هایی وجود دارد.

در طول قرن‌های سیزده و چهارده میلادی شکل جدیدی از مدارس دینی از شرق در شمال آفریقا گسترش یافت. مدرسه‌ها در مجاورت مساجد قرار داشتند، تعدادی از این مدارس که تا به حال به‌جا مانده‌اند دو نمونه از دوره «مرینی» و بقایایی از یک نمونه «نصریه» هستند. مدرسه غالباً به‌گردد یک حیاط مرکزی شکل گرفته است و در هر طرف ردیف‌هایی از قوس‌ها قرار دارند که قوس وسطی بزرگ‌تر است و همگی دارای کتیبه‌های تزیینی است. همه این سازماندهی فضایی نشان از ریشه و نفوذ شرق اسلامی در آن‌هاست.

مدرسه «العطارین» (Al Attarin) در فاس تحت نظر «ابوسعید» ساخته شد. این مدرسه از نظر تزیینات غنی و بسیار خوش‌تناسب است و بک ورودی چرخشی از بیرون به طرف حیاط دیگر در سمت چپ به طرف دستشویی‌ها راه دارد. نمازخانه‌ای کوچک و چهارگوش با محراب خاص خودش در گوشه‌ای دورتر از صحن حیاط قرار دارد که اغلب مورد استفاده طلاب و مدرّسین بوده است.

مدرسه «بوعنایت» (Bu Inaniyya) - ۱۳۴۵ میلادی) در فاس از کامل‌ترین مدرسه‌های غرب اسلامی است که دارای یک مسجد عمومی با منبر و مناره است. یک ساعت (زمان‌سنج) در طرف خیابان برای اعلام اوقات شرعی به عموم کار گذاشته شده است. تناسبات ساختمان، هم‌آهنگ، متوازن و دارای تکرارهای موزون است. دو اتاقی درس مربع شکل در وسط طول حیاط و در دو طرف آن با ورودی‌هایی مخصوص به خود نظم و ترتیبی برگرفته از سبک و

سیاق ایرانی - مملوکی دارد، ورودی‌های دیگر به طرف مناره و مسجد می‌رود. طاق‌های ایوانی حیاط از قوس‌های بزرگی ساخته شده است که هر دو طبقه بالا و پایین را دربر می‌گیرد. هم‌چنین صحن حیاط دارای یک حوض برای شستشو و وضو است و جوی باریک در طول طرف نمازخانه با دو پل کوچک بر روی آن تأکیدی است بر آن‌که نمازگزار هنگام ورود به مسجد احکام مذهبی [شستشوی پاها] را رعایت نماید، دسترسی به ساختمان مسجد از طریق دالانی است که چندین برج دارد.

بیش تر بناهای به‌جامانده از دوره «نصریه» در شهر هرناتپه (گرانادا) است. مناره اولیه «سن‌خوان» و حیاط مسجد «الباشیه» (Albaycin) که هم‌اکنون کلیسای «السالوادور» است هر دو از قرن سیزدهم میلادی هستند و به روشنی از دوره «الموحدون» تأثیر گرفته‌اند. یک چراغ برنزی بسیار نفیس و البته ناقص از مسجد «الحمرا» به‌جا مانده است که در سال ۱۳۰۵ میلادی و در زمان «محمد سوم» ساخته شده است. این اثر از زیباترین صنایع دستی است که به‌مراتب از چراغ‌های دوره «الموحدون» و «مرینیان» زیباتر است. اما از مدرسه «یوسفیه» که توسط «یوسف اول» (۵۴-۱۳۳۳ میلادی) در سال ۱۳۴۹ ساخته شده آنچه که به‌جا مانده است تنها یک نمازخانه کوچک است. این نمازخانه نقشه هم‌کف مربع شکلی دارد که با یک فضای هشت‌گوش با طبقه دوم مرتبط می‌شود و در یک سمت پنجره‌هایی به طرف باغ تعبیه شده است. «یوسف اول» هم‌چنین نمازخانه کوچکی در الحمرا ساخت؛ نقشه هم‌کف آن براساس چهارضلعی  $\sqrt{2}$  بود که قطر و نیز ارتفاع آن برابر با  $\sqrt{3}$  می‌شد. جهت قبله این نمازخانه به‌شکل صحیح تعیین شده و از پیش فضای نمازخانه جدا است.

الحمرا، هم‌چنین نمازخانه شخصی کوچک‌تری دارد که توسط «یوسف اول» در ورودی بزرگ «قمارش»

(Comares) ساخته شد. نمازخانه دیگری نیز توسط «محمد پنجم» در سال ۱۳۶۲ میلادی ساخته شد که هم‌اکنون به «مشوار» (Mexuar) وصل شده است. هفت دهانه قوسی سمت شمالی آن، نمای زیبا به محوطه و طبیعت اطراف دارد. سقف چند ضلعی محراب آن نیز با گچ‌بری و کارهای چوبی تزیین یافته است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. در مورد تونس لازم است که اختصاصاً مساجد این سرزمین و به‌خصوص مسجد بزرگ الیبروان بررسی گردد.
۲. تناسب در معماری بر اساس استفاده از بگانه اندازه و مقیاس با اهمیت است که به‌وسیله آن همه ابعاد، از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین آن، مضرب مشترکی داشته باشند.
۳. مسجد بزرگ دمشق ساخته شده در ۱۵-۷۰۹ م. از قدیمی‌ترین مساجد بالی‌مانده در دوران اسلامی است.
۴. اگرچه در مورد این قوس‌ها این چنین برداشت می‌شده است که نحلی مارا می‌گردد، ولی در واقع عملکرد سازه‌ای و پاربری قابل توجه و عمده‌ای نداشته‌اند.
۵. حمام خانه‌های قصر عمره (که هم‌اکنون در اردن واقع است) تاریخ ساخت ۱۵-۷۱۲ م. را دارد. طرح‌های تزیینی با موازبیک و فرسک شامل صحنه‌هایی از شکار، قصر و منظرهای خانوادگی است.